

بانکداری بدون ربا

در برابر بحران‌های اقتصادی

دکتر بیژن بیدآباد^(۱)



نظریات کینز در باره بحران دهه ۱۹۲۰ قابل تامل است.

این طبیعت منتج از طبیعت رفتاری انسان‌هاست، یعنی حالت طبیعی انسان‌ها این رفتار را باعث می‌شود، زیرا انسان شره زیادی به مصرف دارد و وقتی که غنی است، اسراف شدیدی در رفتار مصرفی خود نشان می‌دهد، ولی محدود بودن منابع اجازه نمی‌دهد که شرایط اسراف در مصرف به صورت مداوم همگام با حرص و ولع انسان ادامه یابد. در نتیجه، در شکوفایی اقتصاد مجبور به توقف می‌گردد، زیرا منابع به صورت نسبی با فعالیت‌های اقتصادی افراد افزایش نمی‌یابند، یعنی محدودیت منابع باعث گران شدن آنها و در نتیجه، موجب کم سود شدن تولید گشته که آغاز رکود است و شروع چرخش به پایین سیکل تجاری را دامن می‌زند.

نگاهی به متغیرهای اقتصادی در دهه گذشته نشان‌دهنده همین موضوع است. افزایش شدید قیمت نفت و غلات و خشکسالی‌های پیاپی و وجود وقایع غیرمترقبه اقلیمی و هواشناسی بر این موضوع نیز اثر تشدید کننده داشته‌اند.

نمونه‌های قبلی

شرایط مشابه بحران اخیر در دهه ۱۹۲۰ نیز دیده می‌شود، به طوری که در آن سال‌ها نرخ بهره به شدت پایین آمده بود، ولی شرایط اقتصاد کشورها به گونه‌ای بود که حتی با پایین بودن هزینه اجاره سرمایه، نتوانستند منابع کافی برای تولید را تخصیص دهند. نزاع کینز و اقتصاددانان کلاسیک نیز در همین مبحث قابل طرح است. کینز معتقد بود که در شرایطی که اقتصاد به تله نقدینگی دچار می‌شود و یا عدم هماهنگی بین سرمایه‌گذاری و پس‌انداز ایجاد می‌گردد، لزوماً باید نرخ بهره‌ای پایین‌تر از صفر وجود داشته باشد که تعادل در بازار پول ایجاد گردد. در این حالت، نمی‌توان از سیاست‌های پولی برای رفع بحران استفاده کرد، زیرا نرخ بهره آنقدر پایین است که پایین آوردن بیشتر آن امکان‌پذیر نیست. اصولاً تله نقدینگی به دلیل ضعف در ارتباط نرخ بازدهی در بخش حقیقی اقتصاد و نرخ بهره در بخش پول می باشد، یعنی نرخ بهره فارغ از نرخ بازدهی سرمایه‌گذاری به رقم‌های نازلی تنزل می‌یابد. یکی از

علت بحران یا معلول آن؟

برخلاف آنچه در اذهان اقتصاددانان جهان شکل گرفته، وقوع بحران اخیر ناشی از رکود بخش مسکن کشور آمریکا نبود، بلکه بخش مسکن معلول این بحران قرار گرفت.

انگونه که ثابت شده، طبیعت حرکت موج و سینوسی فعالیت‌های اقتصادی، خود به خود منجر به شرایطی می‌شود که اقتصاد از حالت شکوفایی به حالت رکود و بحران می‌رسد و سپس به سمت رونق و شکوفایی دوباره حرکت می‌کند. نظریات قدیمی‌تر مانند پاول ساموئلسون وجود این حرکات سینوسی در اقتصاد را ناشی از عملکرد انبارهای تولیدی و جریان عرضه می‌دانند، یعنی وقتی اقتصاد بیش از مصرف تولید می‌نماید، کالاها در انبار متراکم می‌شوند و فروشنده برای فروش کالای انبار شده، اقدام به پایین آوردن قیمت آن می‌نماید تا بتواند کالای خود را به فروش برساند. پایین آوردن قیمت کالا و همچنین بزرگ بودن موجودی کالا در انبار هم باعث سست شدن تولید می‌گردد و تولید کننده مجبور می‌شود که حجم تولید خودش را پایین آورد و چون عملکرد تولید بنگاه رو به کاهش می‌گذارد، لذا درآمد عوامل تولید نیز که صاحبان کار، سرمایه و سایر عوامل می‌باشند، کم خواهد شد، یعنی در کلان اقتصاد درآمد کاهش می‌یابد که این کاهش درآمد از سمت تقاضا، منجر به کاهش تقاضا برای کالاها و خدمات در جامعه می‌گردد. اثر کاهش تقاضا خود مجدداً به کاهش قیمت منجر شده و از این سمت بنگاه‌های تولیدی را مبتلای به رکود بیشتر می‌نماید. این پدیده تا آنجا پیش می‌رود که اقتصاد از رکود به سمت بحران حرکت می‌کند. در مقطع بحران عملاً توقیفی در این سیکل اتفاق می‌افتد، زیرا دیگر بیش از این قیمت‌ها قابلیت کاهش نخواهند داشت و این توقف منجر به شروع انگیزه برای تولید افزایش کالا و در نتیجه، افزایش درآمد عوامل تولید و افزایش تقاضا و قیمت‌ها شده، اقتصاد را از بحران به سمت رونق تا شکوفایی اقتصادی پیش می‌برد و مجدداً به شرایط ابتدای سیکل تجاری می‌رسیم. و پس از مدتی دو مرتبه رکود آغاز و سیکل تکرار می‌شود.

1) bidabad@yahoo.com

bijan@bidabad.com

http://www.bidabab.com



برخلاف نظریات غربی، علت رکود، در بخش مسکن و ساخت و ساز نیست، بلکه منبعث از یک رفتار ساختاری در بخش پولی و بانکی می باشد.

نرخ بهره‌ای را ایجاد می‌کند که به آن نرخ بهره سپرده‌ها می‌گوییم. از سمت دیگر، بانک با عرضه منابع اقدام به تشکیل بازار دیگری می‌کند که این عرضه منابع بانکی و تقاضا برای منابع سرمایه‌گذاری، نرخ بهره تسهیلات را ایجاد می‌کند، یعنی بانک بین دو بازار منابع و مصارف قرار می‌گیرد. حال فرض کنید که در اثر افزایش مصرف، حجم عرضه پس‌اندازها پایین آید. این موضوع باعث می‌شود که نرخ بهره سپرده‌ها بالا برود. افزایش نرخ بهره سپرده‌ها نمی‌تواند منجر به افزایش نرخ بهره تسهیلات گردد، زیرا قراردادهای بانک در مورد تسهیلات قراردادهای مدت‌دار است و بانک ملزم است که مدتی صبر کند تا بتواند قراردادهای جدید خود را با نرخ بهره بالاتر در مورد تسهیلات جدید بکار بندد و بعد نرخ بهره تسهیلات را افزایش دهد. در این مدت، بانک مجبور به تحمل زیان است و سپس با یک وقفه در پایان دوره سعی می‌کند تا زیان خود را از طریق افزایش نرخ بهره تسهیلات جبران نماید. هر چند که این وقفه از لحاظ افراد یک جامعه چندان ملموس نیست، ولی از لحاظ رفتار اقتصادی باعث می‌شود که یک رابطه دینامیک خاص بین پس‌انداز و تقاضا برای منابع سرمایه‌گذاری ایجاد نماید. به صورت ریاضی می‌توان نشان داد که رابطه این دو متغیر به دلیل وجود وقفه‌ای که ذکر شد، یک معادله تفاضلی یا دیفرانس از مرتبه دوم است. معادلات تفاضلی مرتبه دوم خاصیت تموج دارند، یعنی رفتار سیکلی ایجاد می‌کنند، لذا عملاً سیکل‌های بوجود آمده در بخش رفتار پس‌انداز- مصرف خانوارها را از این طریق به بخش سرمایه‌گذاری و تولید منتقل می‌کنند. این نظریه به عنوان مهمترین علت سیکل‌های تجاری شناخته می‌شود. حال چون علت این بیماری روشن شد، درمان آن نیز امکان‌پذیر می‌گردد.

روش درمان

روش درمان این بیماری اقتصادی اینگونه است که باید به نحوی اجازه نداد که وقفه زمانی موجود در ایجاد

دلایل وقوع این حالت، افزایش ریسک سرمایه‌گذاری است که خالص بازدهی سرمایه را تنزل می‌دهد.

اثر سیاست‌های پولی بر بحران

نکته‌ای که در اینجا مطرح است، این است که اگر امکان آن وجود می‌داشت که نرخ‌های بهره منفی در اقتصاد ظاهر شود که از لحاظ عملی شدنی نیست، سیاست‌های پولی توانایی رفع بحران را می‌داشتند. لذا سیاست‌های مالی به عنوان راه‌حل بحران تجویز می‌شوند که همین سیاست در کشورهای گروه بیست با تزریق مبالغ هنگفتی حدود پنج تریلیارد دلار اتخاذ شد. این روش عملاً سبب می‌گردد که اقتصاد بحران‌زده از حالت بحران خارج شود، ولی برای حصول این اثر باید نزدیک به نیم دهه منتظر بود تا سازوکارهای اقتصادی از راه طبیعی اقتصاد را به سمت دوران رونق حرکت دهند.

ساختارهای پولی و بانکی

راه حل اساسی دیگری که در بین اقتصاددانان مغفول مانده است، مسأله اصلاح ساختار نظام‌های پولی و بانکی است. تحقیقات وسیعی که در این زمینه توسط خود اینجانب انجام شده، نشان می‌دهند که ساختارهای بانکی، عامل اساسی ایجاد بحران‌ها هستند و برخلاف نظریه ساموئلسون، تراکم در موجودی انبار نیز معلول پدیده بحران است و نه علت آن. همچنین برخلاف نظریات غربی، علت رکود نه در بخش مسکن و ساخت و ساز است، بلکه منبعث از یک رفتار ساختاری در بخش پولی و بانکی می‌باشد. توضیح این نظریه که دارای اثبات‌های ریاضی است، بدین شکل است که برخلاف نظر اقتصاددانان متعارف که بازار پول را بازار واحدی می‌دانند، بازار پول از دو بازار مجزا تشکیل شده و بانک به عنوان بنگاه واسط بین دو بازار عمل می‌کند. به عبارت دیگر، ما در یک سمت بانک، بازار تقاضای بانک برای منابع سپرده‌ای را داریم که این تقاضا با عرضه پس‌اندازها

تعدادل بین نرخ‌های بهره سپرده‌ها و تسهیلات، سبب ایجاد تموجات در عرضه و تقاضای منابع مالی گردد، یعنی بانک نباید به صورت یک بنگاه اقتصادی متعارف عمل کند، بلکه باید به صورت یک واسطه مالی عمل کند، واسطه مالی هم از طریق کارمزد درآمد حاصل می‌نماید. در اقتصادهای متعارف، بانک‌ها به شکل یک بنگاه عمل می‌کنند و نه به شکل یک واسطه، لذا بخش بانکی می‌تواند تموجات بازار را موجب شود. برای اینکه بانک‌ها را از این وضعیت به وضعیت واسطه‌گری مالی تبدیل کنیم، باید عملکرد نرخ‌های بهره در بخش تسهیلات را به گونه‌ای تعریف کنیم که آثار آن به جای اینکه به بانک منتقل شود، به سپرده‌گذار منتقل گردد. راه‌حل اساسی در این ارتباط نیز در کتب آسمانی همچون تورات، انجیل و قرآن صراحتاً اشاره شده و آن هم حذف ربا از فعالیت‌های پولی است.

حذف ربا، یعنی شراکت

حذف ربا به معنی این نیست که فعالیت‌های مالی بانکی متوقف شود، بلکه حذف ربا به معنای آن است که صاحبان دارایی مالی، همواره بهره ثابتی را از منابع مالی خود دریافت نمایند. یعنی باید عملاً در سود و زیان وام گیرنده شریک باشند. این شراکت در عقود مختلف بانکداری اسلامی مطرح می‌گردد. در این عقود می‌توان وام دهنده را در سود و زیان وام گیرنده شریک ساخت. این سیستم بانکداری تحت عنوان بانکداری مشارکت در سود و زیان طبقه‌بندی می‌شود که منتج از دکتترین حذف ربا در فعالیت‌های بانکی است.

مشارکت در سود و زیان، به دلیل اینکه بانک‌ها را از یک بنگاه اقتصادی تبدیل به یک واسطه مالی می‌نماید، عملاً توضیحات ذکر شده در قبل را تکمیل می‌نماید و می‌تواند بدون وجود وقفه ذکر شده، بازارهای پس‌انداز و سرمایه‌گذاری را با واسطه‌گری بانک به تعادل باثبات برساند. از طرف دیگر، ریسک‌های ایجاد شده در بازار تسهیلات از طریق این مشارکت به بخش سپرده‌گذاری منتقل شده و وام گیرنده و وام دهنده (سپرده‌گذار) در بازار همگام با هم سود یا زیان می‌برند.

عقود ربوی در بانکداری بدون ربا!

وقتی که از بانکداری مشارکت در سود و زیان صحبت می‌شود، این موضوع نباید تداعی گردد که بانکداری موجود در کشور ایران در مدنظر است، زیرا در ایران به راحتی می‌توان نشان داد که بسیاری از عقود طرح شده در قانون عملیات بانکی بدون ربا مصوب ۱۳۶۲ ربوی هستند. براساس تعریف دقیق ربا، عقود فروش اقساطی، اجاره به شرط تملیک و خرید و فروش دین و ربح مرکبی که ناشی از اخذ بهره بر بهره به دلیل عدم توانایی مدیون در تأدیه دین است، وارد در حریم ربا هستند. مشخصاً اعطای تسهیلات از طریق عقود وام نیک (وام بدون بهره)، مشارکت مدنی، مشارکت حقوقی، سرمایه‌گذاری مستقیم،



نظریات قدیمی تر مانند پاول ساموئلسون وجود حرکات سینوسی در اقتصاد را ناشی از عملکرد انبارهای تولیدی و جریان عرضه می‌دانند.

مضاربه، معاملات سلف، جعاله، مزارعه، مساقات و اجاره با رعایت شرایط خاص از حریم ربا خارج می‌گردند. در همه این عقود- به استثنای وام نیک که بهره ندارد و اجاره که نرخ مال الاجاره از قبل تعیین می‌شود- نباید نرخ بهره از پیش تعیین و شرط شود، در غیر این صورت، ربوی می‌گردند. شرح جزئیات این موضوع در مقالات متعدد آورده شده و در سایت www.bidabad.com وجود دارد. به عبارت دیگر، چنانچه بخواهیم بانکداری مشارکت در سود و زیان را پیاده کنیم، باید تحولات خاصی را در نظام فعلی بانکی بوجود آوریم. این تحولات از اصلاح قانون عملیات بانکی بدون ربا تا حذف حیل‌های شرعی بانک‌ها و تغییر ساختار سازمانی آنها را شامل می‌شود.

اگر بانکداری ما اسلامی بود ...

با توجه به غیراسلامی بودن بانکداری در ایران در سه دهه گذشته، مسلماً وقوع و آثار بحران نیز از قبل در ایران قابل پیش‌بینی بود و همین‌طور که به وضوح دیده می‌شود، این بحران از کشورهای صنعتی به ایران منتقل شده و همان عواقب رکود در بخش مسکن در ایران نیز ظاهر گردیده است که معلول پدیده بحران است. همان‌طور که علت اصلی بحران‌های مالی ذکر شد، علت نضج گرفتن بحران، غیراسلامی بودن بانکداری در ایران است و اگر بانکداری در ایران اسلامی می‌بود، یعنی سپرده‌گذار به صورت واقعی در سود و زیان تسهیلات گیرنده مشارکت می‌کرد، این بحران به ایران سرایت نمی‌کرد. همان‌طور که می‌بینیم، به دلیل اینکه در هیچ کشوری از دنیا بانکداری اسلامی اجرا نمی‌شود، بحران از یک کشور به کشور دیگر تسری می‌یابد.

بانک نباید به صورت یک بنگاه اقتصادی متعارف عمل کند، بلکه باید به صورت یک واسطه مالی عمل کند و از طریق کارمزد تحصیل درآمد نماید.



**حذف ربا به معنی
این نیست که
فعالیت‌های مالی
بانکی متوقف شوند،
بلکه صاحبان داری
مالی، باید عملاً
در سود و زیان
وام‌گیرنده شریک
باشند.**

نرخ سود و نرخ بازدهی

در طرح بانکداری مشارکت در سود و زیان - صرفنظر از اینکه بانک دولتی و یا خصوصی باشد - اساس تعیین نرخ تسهیلات بانکی بر مبنای نرخ بازدهی بخش حقیقی اقتصاد می‌باشد و بانک به‌عنوان واسطه و جوه با دریافت حق‌العمل و در مقام وکیل و یا عامل، کارمزد مربوطه را دریافت نموده و تمامی بازدهی ناشی از امور سرمایه‌گذاری - چه به صورت سود و یا زیان - به صاحبان منابع پولی، یعنی سپرده‌گذار منتقل می‌شود. بر این اساس، بانک‌های عامل براساس عقود مشارکتی می‌توانند سپرده‌های سرمایه‌گذاری را بر اساس وکالت عام و یا خاص به‌صورت مشاع و بر اساس تشخیص سپرده‌گذار و یا تشخیص خود در طرح و یا طرح‌های مورد نظر سرمایه‌گذاری نمایند و بازدهی حاصل از سرمایه‌گذاری را بین سپرده‌گذاران تقسیم کنند. سپس سود و زیان واقعی بر اساس ضوابط مربوطه و توافق طرفین معامله بین آنان در چارچوب دستورالعمل‌های مرتبط تقسیم خواهد شد. در این رابطه، بانک در اجرای وظیفه واسطه‌گری مالی خود منافع حاصل از سرمایه‌گذاری را پس از کسر حق‌العمل‌کاری در قالب وکالت و یا عاملیت، به صاحبان منابع پولی، یعنی سپرده‌گذاران انتقال می‌دهد.

ویژگی‌های طرح بانک ملی

طرح مطرح شده در بانک ملی، ابداعات مالی خاصی را نیز تحت عنوان گواهی پذیره و گواهی مشارکت که قابل خرید و فروش در بازارهای مجازی اینترنتی هستند، پیش‌بینی کرده است. وجود این دو ابزار جدید، عملاً اجازه می‌دهد که یک نوع بازار مالی مشابه بورس اوراق بهادار برای خرید و فروش و نقل و انتقال سپرده‌ها فراهم گردد که

بانک ملی ایران از دو سال پیش توجه به این موضوع نمود و تلاش کرد تا راه‌حلی را بیابد و بانکداری مشارکت در سود و زیان را به‌صورت علمی در مدنظر قرار دهد. در این ارتباط، تحقیقات وسیعی هم‌زیر نظر اینجانب صورت گرفت که هم‌اکنون در شرایط ابتدای اجرای آزمایشی سیستم مشارکت در سود و زیان (Profit and Loss Sharing - PLS) می‌باشد. چنانچه این سیستم به‌صورت موفقیت‌آمیز به اجرا درآید، عملاً شرایطی را ایجاد خواهد کرد که مسائلی ناشی از ریسک سرمایه‌گذاری به بانک‌ها منتقل نمی‌شود و بحران زمین‌های برای تسری و نضج نمی‌یابد، زیرا بانکداری مشارکت در سود و زیان، عمل‌ریسک را از بخش تسهیلات به بخش سپرده‌ها منتقل می‌نماید و بانک در این بین دچار خسارت نمی‌شود. از طرف دیگر، ایجاد ارتباط قوی و ساختاری بین نرخ‌های بهره تسهیلات و سپرده‌ها اجازه نمی‌دهد که در یک بازار زیان اتفاق افتد و بازار دیگر سود ببرد، یعنی وقتی که در بازار تسهیلات، سرمایه‌گذار زیان می‌برد، نظام مشارکت در سود و زیان اجازه نمی‌دهد که این زیان به شکل سود به سپرده‌گذار منتقل شود، بلکه زیان را به سپرده‌گذار منتقل خواهد کرد و هر دو بازار در ثبات نسبی بیشتری خواهند بود. در نتیجه، تموجات در سمت عرضه مرتبط به نرخ بهره تسهیلات، و در بخش تقاضا مرتبط با نرخ بهره سپرده‌ها هر دو آرام می‌شوند.

این موضوع برخلاف نظام بانکداری متعارف است که اگر وام‌گیرنده سود یا زیان کند، الا و لا بد وام‌دهنده سود می‌کند. در نظام مشارکت در سود و زیان، اگر وام‌گیرنده سود ببرد، سپرده‌گذار نیز سود می‌برد و اگر وام‌گیرنده زیان کرد، سپرده‌گذار نیز زیان خواهد کرد.

مشارکت در سود و زیان، می‌تواند بازارهای پس‌انداز و سرمایه‌گذاری را با واسطه‌گری بانک به تعادل با ثبات برساند.

اینترنت و یا گیشه بانک اقدام به خرید و فروش این برگه‌ها نمایند و لذا این گواهی به صورت یک دارایی قابلیت خرید و فروش بین‌المللی می‌یابد.

گواهی پذیره مشابه گواهی مشارکت بوده و در پروژه‌های پایان ناپذیر یا مستمر مورد استفاده قرار می‌گیرد، به طوری که هنگام اتمام مرحله ساخت و با شروع مرحله بهره‌برداری، صاحبان گواهی‌های پذیره به نسبت مبلغ گواهی و مدت مشارکت، تبدیل به سهامداران شرکت مجری خواهند شد.

کلیات این طرح جدید بین‌المللی را می‌توان در متون و مقالات سایت www.bidabad.com ملاحظه نمود. چنانچه این سیستم در بانک ملی مستقر و اجرا گردد، با توجه به پدیده ذاتی کنترل ریسک آن، بازارهای مواج مالی به صورت خودکار مدیریت خواهند شد و می‌توان انتظار داشت که به سرعت این شیوه بانکداری به سایر بانک‌های داخلی و خارجی گسترش یابد، زیرا وقتی که نرخ بهره به این طریق به نرخ بازدهی بخش حقیقی اقتصاد که معمولاً با ثبات است، متصل گردد، خود نیز با ثبات می‌شود و

عملاً با توجه به تحولات اقتصادی در بخش سرمایه‌گذاری و تولید، نرخ خرید و فروش گواهی‌های مشارکت و پذیره نیز دچار افزایش و کاهش خواهد شد. این دو ابزار جدید عملاً به عنوان اوراق بهاداری هستند که برای خرید و فروش سپرده‌ها بکار می‌روند و مبین سپرده‌هایی هستند که در طرح‌های مشخص سرمایه‌گذاری به صورت تسهیلات مشارکت در سود و زیان به مجریان و کارفرمایان تخصیص یافته‌اند.

گواهی مشارکت، برگه‌های بی نامی است که به قیمت اسمی مشخص و برای مدت معین (مدت زمان اجرای طرح سرمایه‌گذاری) توسط شعبه بانکداری مشارکت در سود و زیان منتشر می‌شود. دارندگان این برگه‌ها به نسبت قیمت اسمی و مدت زمان مشارکت در سود حاصل از اجرای طرح مربوطه شریک می‌باشند و بانک در ازای ارائه خدمات مدیریت سرمایه به سپرده‌گذاران که بنا به درخواست ایشان در یکی از سه نوع محصولات بانک خواهد بود، سرمایه‌گذاری می‌نماید. افراد و یا دارندگان گواهی مشارکت می‌توانند از طریق شبکه‌های ارتباطی



کینز معتقد بود که در شرایطی که اقتصاد به تله نقدینگی دچار می‌شود و یا عدم هماهنگی بین سرمایه‌گذاری و پس‌انداز ایجاد می‌گردد، لزوماً باید نرخ بهره‌ای پایین‌تر از صفر وجود داشته باشد که تعادل در بازار پول ایجاد شود.

ریسک عملیات مالی تحت کنترل درمی‌آید. گسترش این شیوه بانکداری، به دلیل مدیریت ذاتی ریسک آن، عملاً باعث جذب منابع از سرمایه‌گذاران خارجی نیز خواهد شد و چون در فضای مجازی اینترنتی همه عملیات انجام خرید و فروش و نقل و انتقال صورت می‌گیرد، لذا مکان معامله از ایران به سرتاسر جهان منتقل خواهد شد و مسلماً انگیزه تسری این نوع بانکداری در باقی کشورها نیز پدید خواهد آمد، زیرا معضل اساسی در بانکداری متعارف جهان، ریسک‌های مالی هستند که بانک‌ها را دچار ورشکستگی نموده‌اند. با این نوع بانکداری، می‌توان مشکل قرار گرفتن در بحران‌ها را حل نمود و چون منشأ بیماری بحران شناخته شده است، لذا درمان بانکداری مشارکت در سود و زیان، اثر شفافبخش در رفع آن خواهد داشت.

نقش آموزه‌های اخلاقی در بحران

شق دیگر آسیب‌شناسی بحران‌های اقتصادی، باز به رفتار انسان‌ها برمی‌گردد. ما انسان‌ها که در صفات دنیا دوستی افراط می‌کنیم، عملاً شرایط تشدید بحران‌ها را در اقتصاد فراهم می‌آوریم، یعنی به افراط در مصرف و شره اقتصادی و حرص برای مال‌اندوزی و زیاده‌مصرفی و تبذیر به معنی مصرف بیش از نیاز و سایر موارد مشابه روی می‌آوریم که همواره دامنه تشدید سیکل‌های تجاری را بازتر می‌کند، یعنی شدت بحران را با رکود شدید و شکوفایی شدید افزایش می‌دهد. اگر رفتار انسان‌ها به گونه‌ای اصلاح شود که آموزه‌های اخلاقی و عرفانی که در اسلام و سایر ادیان آسمانی مطرح هستند، دنبال شوند، عملاً از شدت بحران‌ها کاسته می‌شود. وقتی که در جامعه‌ای اسراف و تبذیر وجود داشته باشد، عملاً رفتار زیاده‌مصرفی باعث می‌شود که بحران‌ها موجات بیشتری

یابند و زودتر به رکود و یا حتی شکوفایی برسند. لذا باید تلاش کرد که آموزه‌های اخلاقی و عرفانی در رفتار مصرفی انسان‌ها مورد استفاده واقع شود، یعنی انسان‌ها بدون تحمیل مکانیزم‌های دولتی، خود از مصرف مازاد و اسراف در مصرف و شره اقتصادی پرهیز نمایند.

بدیهی است که جلوگیری از اسراف منجر به آن خواهد شد که همواره سهم زیادی از منابع اقتصاد و نیروی کار و همچنین سرمایه آزاد شود که می‌تواند به سهولت در هنگام بحران مورد استفاده بنگاه‌ها قرار گیرد و سیکل تجاری رو به بحران روی خم منحنی بحران و رکود کمرشکن شود و اقتصاد را به سمت رونق و شکوفایی مجدد برگرداند. از طرفی دیگر، در هنگام شکوفایی به دلیل اینکه مصرف زاید اتفاق نمی‌افتد، اقتصاد به مرز اشباع نزدیک نمی‌شود و در نتیجه، قبل از اینکه اقتصاد به شرایط اشباع در هنگام شکوفایی برسد، به سمت رکود حرکت می‌کند و در این حالت، اقتصاد شکوفایی و بحران خفیفی را تجربه می‌نماید و در نتیجه، دامنه موج خیلی باریک می‌شود و باریک شدن دامنه موج سیکل تجاری هم به معنای ثبات نسبی اقتصاد خواهد بود. مباحث بیشتر در این زمینه نیز در سایت www.bidabad.com قابل دسترس است.

شاید در پایان این موضوع توجه به این نکته مناسب باشد که پیامبران و اولیای الهی اعقل انسان‌ها روی سیاره زمین بوده و هستند و مسلماً عقل است که راهگشای صلاح و فلاح بشر است، و اگر بشر به این موضوع برسد که فرمایشات آن بزرگواران راهگشای زندگانی مناسب اوست و از آموزه‌های آنان استفاده کند و عقل مادرزاد خود را با انواع حیل - حتی شرعی - به اوامر آنان ترجیح ندهد، مسلماً زندگی مادی و معنوی بهتری خواهد داشت.

از طریق عقود
مختلف بانکداری
اسلامی، می‌توان
وام‌دهنده را در سود
وزیان وام‌گیرنده
شریک ساخت.

برگه اشتراک	
تاریخ
نام و نام خانوادگی مشترک :
سن : تحصیلات : شغل :
شماره های درخواستی : از شماره تا شماره
نشانی پستی :
شماره تلفن تماس :
مشترک گرامی	
*هزینه اشتراک مجله برای ششماه ۳۰۰۰۰ ریال و برای یک سال ۶۰۰۰۰ ریال است. لطفاً هزینه اشتراک را به حساب بانکی شماره ۲۷۸۹۰۳۰۰۱ نزد شعبه سامان بانک تجارت (کد ۳۲۴) واریز کنید و فتوکپی رسید بانکی را همراه با برگه اشتراک تکمیل شده به نشانی زیر بفرستید:	
تهران / خیابان حجاب / کوچه سوم / شماره ۱۱ / صندوق پستی: تهران ۵۵۴۸ - ۱۴۱۵۵	